

### متن پرسش

استاد عزیز سلام: من یه مشکلی داشتم اگه زحمتی نیست کمکم کنید. من چند وقتییه در مورد «دعا» دچار شک و شبهه بودم تا اینکه یکی از سخنرانی هاتون که توش در مورد دعا گفته بودید و گوش دادم یک کم فلسفه دعا برام روشن شد اما هنوز قلبم آرامش نیافته و درست نمیتونم دعا کنم! چی کار کنم؟ اگه اثری هم در این مورد دارید بفرمایید تا تهیه کنم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی معلوم شود ما در تکوین نسبتی با خدا داریم و عین ربط به خدا می‌باشیم و باید در انتخاب و اختیار خود، مطابق تکوین خود که هستی ما به حساب می‌آید عمل کنیم، پای دعا به میان می‌آید تا تمام ابعاد هستی خود را در اتصال باحضرت حق شکل دهیم و نخواهیم خود خواهانه و به صورت مستقل از خدا زندگی را بگذرانیم. دعا عامل حضور انسان است در محضر حق. انسانی که می‌فهمد در همه‌ی ابعاد باید خدایی باشد و همه چیزها اگر از خدا عطا شده باشد مفید است و از آن مهم‌تر این که دعا راه انس جان انسان است با خدایی که از جهت علم و حیات، نور محض است و شرط داشتن حیات و علم حقیقی، انس با علم و حیات محض است. با دعا انسان از خود بیگانگی و بی وطن بودن، به آغوش وطن خود بر می‌گردد و به نیستان خود که مقام آزاد شدن از کثرت‌ها است رجوع می‌کند. در آن حال به نور خدا در عالم زندگی می‌کند. خداوند به رسولش فرمود: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» یعنی ای رسول من آن‌گاه که تو تیر می‌اندازی، تو نیستی که تیر می‌اندازی؛ این خداست که تیر می‌اندازد. شما در نظر بگیرید خداوند تا چه اندازه به بنده‌ی خود نزدیک شده و بنده‌ی او تا چه اندازه در عالم با خدا زندگی می‌کند. این حاصل انس با خداست. بنده معتقدم شما با دعای سحر و به دنبال آن دعای ابوحمره تا این اندازه در عالم با خدا زندگی خواهید کرد. ورود به عالمی که خدا همه‌کاره است در اثر دعا حاصل می‌شود. غفلت از حقیقت، با غفلت از نقش دعا ظهور می‌کند زیرا اگر کسی نتواند از طریق دعا نقش خدا را در عالم احساس کند چگونه می‌تواند با حقیقت که همان اسماء و انوار الهی است به سر ببرد؟ پس در یک کلمه، حقیقت انسان با دعا برای انسان ظهور می‌کند. موفق باشید